

آ سید و وعده ما ندن شهرداری در لیگ

آقا سید در جریان مسابقات فوتسال پیشکسوتان آب و برق کشور که در سالن های زیبای دانشگاه آزاد اسلامی برگزار می شود مرا دید و گفت: خوب شد دیدمت و با تو حرفی دارم . همزمان با سقوط شهرداری چند روزی تبعات این امر جامعه را در بر گرفته بود و هر کس با توجه به فراخور حال و میزان دانش و برداشت خود در این رابطه اظهار نظر کرد ، همدیگر را متهم نمودیم ، فحش و ناسزا به همدیگر گفتیم و هنوز یک ماه از آن اتفاق نگذشته همه چیز آرام شد. دیگر صحبت ها به ته کشید و خبر از قداره بندان ، نوچه ها ، طرفداران و باند سازان و باند پرستان نشد. گویا گذر زمان گرد فراموشی بر اتفاق روی داده کشید و در این میان حضرات پشت پرده نشین هر کاری را که دوست دارند انجام می دهند و به عبارتی دیگر به ریش من و تو و بازیگران بی مزد و مواجب این صحنه ها می خندند.

آ سید گفت: یک حکایتی نقل کنم و بعد اصل مطلب را که چند روزی است فکر و ذهنم را مشغول کرده است. یکی به خانه دوستی رفت. به رسم مهمانی، میزبان بساطی که فراهم کرده بود سر سفره نهاد . در ضمن یک ظرف ترشی سیر نهاده گفت: دوست گرامی از این ترشی میل فرمائی که هفت ساله است. میهمان به قدر کفایت تناول کرد و دست کشید. چون سفره را جمع کردند مهمان گفت دوست عزیز ترشی بسیار جالبی بود اگر منت نهید قدری به من بدهید تا عیالم نیز استفاده بکند . میزبان گفت: پدر بیامرز اگر من به هر مهمانی قدری می دادم که هفت ساله نمی شد.

قضیه ادعای برخی از آقایان مبنی بر رایزنی برای حفظ تیم شهرداری در لیگ دسته یک هم شبیه این داستان است. اگر قرار بود که سازمان لیگ و فدراسیون به نامه برخی ها جواب بدهد و با هر تقاضایی از سقوط تیم ها به دسته پائین جلوگیری بکند دیگر نیازی به رده بندی ها و انجام بازی ها و صرف هزینه ها و اینهمه حاشیه ها و قشقرق ها نبود ، در پایان فصل برای طرفداری از تیم هایی که توانایی حفظ موقعیت خود در طول فصل را نداشتند چند نفری قیام می کردند و راه تهران و فدراسیون را در پیش می گرفتند. دیگر چه نیازی به دسته یک و دو و سه بود. آیا با این کار در مغازه خیلی ها تخته نمی شد؟ چرا حضراتی که از فردای سقوط مصاحبه ها کردند ، وعده ها دادند و در بین تماشاگران انتظار ایجاد نمودند بعد از مراجعت فاتحانه و

گرفتن عکس هایی با کادر خوب و مناسب مصاحبه نمی کنند و هر روز گزارشی از میزان پیشرفت پروژه را به مردم و هواداران نمی دهند؟ آسیدول کن نبود و با حرف اش اجازه نمی داد فوتسال موسپید ها و میهمانان شهر و استانمان را تماشا بکنیم. او در ادامه گفت: من نمی دانم چرا آقایانی که برای مطرح کردن خود از هر فرصتی استفاده می کنند این بار سقوط تیم را پلی برای مطرح کردن قرار دادند؟ روزنه ها و امیدواری هایی که آقایان مدعی بودند الآن در چه در صدی از پیشرفت قرار دارند و چرا دیگر در این رابطه حرف و سخنی نمی زنند؟ آیا قصد، گرفتن چند عکس و سوار شدن بر موج و نشان دادن چهره ای فعال و کارآمد از خود نبود؟

به هر حال امیدواریم ادعای حضرات مبنی بر امیدواری برای ماندن شهرداری در لیگ یک جامعه عمل بپوشد و هیچ شک و تردیدی نباید بکنیم که اگر فدراسیون بر چنین درخواستی تن دهد و رسماً شهرداری را در لیگ یک ماندنی بکند به جرگه هواداران قدر قدرت فوتبال استان می پیوندم و تا عمر دارم از تبلیغ و تعریف و تمجید آنها یک لحظه غفلت نمی کنم و با این حال مریض، شب و روز دعایشان می کنم. و اما اگر چنین نباشد و حاصل اتاق فکر برخی ها جز رسیدن به اهداف و امیال شخصی نباشد آنموقع چه باید کرد؟ کسانی که نان و نام خودشان را در ورزش جستجو می کنند و ورزش و فوتبال را وسیله ای برای اهداف شخصی مورد استفاده قرار می دهند باید از جامعه ورزشی طرد شوند و دیگر مجال نفس کشیدن برای پیاده کردن نقشه های منفعت طلبانه نداشته باشند.